

بررسی روایی آزمون ترسیم یک داستان در دو گروه از کودکان پرخاشگر و گوشه‌گیر

فاطمه چمن‌دار^{۱*}، سیما شهیم^۲، محمد مزیدی^۳ و دیبا سیف^۴

۱- کارشناس ارشد روان‌شناسی و آموزش کودکان استثنائی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران

fchamandar@gmail.com

۲- استادیار روان‌شناسی مدرسه، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران

sshahim@rose.shirazu.ac.ir

۳- دانشیار تاریخ و فلسفه آموزش و پرورش، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران

Mmazidi52@gmail.com

۴- استادیار روان‌شناسی تربیتی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران

dseif@shirazu.ac.ir

چکیده

هدف این پژوهش بررسی روایی آزمون ترسیم یک داستان است. این بررسی از نوع علی-مقایسه‌ای بود. نمونه شامل ۱۳۷ دانش‌آموز (۵۳ دختر و ۸۴ پسر) پایه چهارم و پنجم مدارس ابتدایی است که در دو گروه پرخاشگر و گوشه‌گیر طبقه‌بندی شدند و با استفاده از آزمون ترسیم داستان سیلور مورد ارزیابی قرار گرفتند. نتایج نشان داد که تفاوت دو گروه پرخاشگر و گوشه‌گیر در تصویر خود معنادار ($p < 0/04$) است و در محتوای عاطفی معنادار نیست. گروه پرخاشگر به طور معنادار تصویر خود قوی‌تری را نسبت به گروه گوشه‌گیر ارائه دادند. پسران پرخاشگر قوی‌ترین و پسران گوشه‌گیر ضعیف‌ترین تصویر خود را بروز دادند ($p < 0/04$). دختران پرخاشگر و گوشه‌گیر در محتوای عاطفی نمرات بالاتری از پسران داشتند و پسران پرخاشگر ضعیف‌ترین محتوای عاطفی را ارائه دادند ($p < 0/02$). فراوانی طیف مثبت تا منفی محتوای عاطفی در گروه پرخاشگر و گوشه‌گیر، معنی‌دار بود و هر دو گروه دارای بیشترین فراوانی محتوای عاطفی در طیف منفی متوسط بودند. فراوانی طیف مثبت تا منفی تصویر خود در گروه پرخاشگر معنادار و طیف مثبت و قوی دارای بیشترین فراوانی بود. فراوانی طیف مثبت تا منفی تصویر خود در گروه گوشه‌گیر نیز معنادار و طیف نامطبوع و منفی دارای بیشترین فراوانی بود. تحلیل محتوای داستان‌های گروه پرخاشگر حاکی از ضریب درگیری بالای مؤلفه‌های پرخاشگری در داستان‌ها با بالاترین فراوانی مؤلفه تصورات قتل و کشتن بود و در گروه گوشه‌گیر حاکی از ضریب درگیری بالای مؤلفه‌های گوشه‌گیری با بالاترین فراوانی مؤلفه‌های تنهایی و ترس و اضطراب بود. آزمون ترسیم داستان سیلور دارای روایی قابل قبول برای استفاده در گروه کودکان پرخاشگر و گوشه‌گیر است.

واژه‌های کلیدی: کودکان پرخاشگر، کودکان گوشه‌گیر، آزمون ترسیم یک داستان، روایی.

مقدمه

ارزیابی کودکان به شیوه‌ای غیر تهدیدآمیز و با استفاده از ترسیم پیشنهاد کرده است که می‌تواند پیش‌بینی پرخاشگری، افسردگی و گوشه‌گیری کودکان را بدون پرسش مستقیم میسر سازد. کوشش سیلور بر این اساس مبتنی است که هنر به عنوان یک وسیله ارتباطی مؤثر می‌تواند اطلاعات ارزنده‌ای را در پیش‌بینی رفتار پرخاشگرانه و گوشه‌گیری کودکان به دست دهد (کانر^۴، ۲۰۰۲).

سیلور (۱۹۸۹) به اهمیت و نقش تشخیصی ترسیم اشاره کرده است. وی تشخیص تصویر خود و محتوای عاطفی در ترسیم کودکان پرخاشگر و گوشه‌گیر از طریق نقاشی و بیان داستان مربوط به نقاشی ترسیم شده را مورد بررسی قرار داده است. نتایج بررسی سیلور منجر به تهیه ابزاری گردید که به شیوه فرافکن تصویر خود و محتوای عاطفی در تصورات کودک را انعکاس می‌دهد. این ابزار برای بررسی پرخاشگری، افسردگی و گوشه‌گیری در کودکان پیشنهاد شده است (سیلور، ۱۹۸۹). تشخیص کودکان پرخاشگر از غیر پرخاشگر و گوشه‌گیر از غیر گوشه‌گیر به‌خصوص در سنین پایین حائز اهمیت فراوان است.

پرخاشگری و گوشه‌گیری دو مشکل اساسی در مدارس است. بر اساس گزارش معلمان ۱۵ درصد کودکان، قربانی پرخاشگری و قلدری می‌شوند و بر اساس گزارش دانش‌آموزان، ۵۰ درصد کودکان قربانی این نوع رفتار هستند (مک نیل^۵، ۲۰۰۲). به نقل از سیلور، (۲۰۰۵). پیشگیری از خشونت در مدارس یکی

روش‌های متفاوتی برای ارزیابی مشکلات رفتاری کودکان به کار می‌رود. اغلب ابزارها و سیاهه‌های رفتاری به‌وسیله افرادی به جز کودک تکمیل می‌شوند و ابزارهایی که کودک بدان پاسخ دهد، کمیاب است. بنابراین، با توجه به اهمیت کسب اطلاع از خود کودک، ابزارهای فرافکن از نوع نقاشی و بیان داستان روش‌های مورد توجه متخصصان و روان‌شناسان در سال‌های اخیر بوده است.

در واقع تحلیل فرافکن داستان‌ها و نقاشی‌ها بر این فرض استوار است که نقاشی کودکان منعکس کننده هیجان‌ها، ناسازگاری‌ها، نگرش‌ها و اعتماد به نفس آنها است که به صورت معمول بیان نمی‌کنند (چرنی و همکاران^۱، ۲۰۰۶).

نقاشی کشیدن و رنگ‌آمیزی، اطلاعات تشخیصی در زمینه توانایی دریافت و ارائه سطوح متفاوتی از مهارت‌های شناختی را فراهم می‌کند و فرصت‌هایی برای درمان ایجاد می‌کند (سیلور^۲، ۱۹۷۷). تحقیقات در این زمینه (اسکاچر^۳، ۱۹۹۹) متمرکز بر ایجاد روش‌های عینی استفاده از آزمون‌های فرافکن است که تشخیص زود هنگام کودکانی را که رفتارهای دشوار نظیر پرخاشگری و گوشه‌گیری دارند، میسر ساخته، می‌تواند متخصصان و روان‌شناسان را در زمینه مداخله و درمان مناسب یاری رساند.

هنر نزد کودکان مورد توجه محققان از جمله سیلور بوده که یکی از پیشگامان هنر درمانی است و بر اساس پژوهش‌های متعدد ابزار مؤثری را برای

⁴ Connor

⁵ Mcneil

¹ Cherney etal

² Silver

³ Schachter

افکار و خیالات باطل هستند (بروفی^۸، ۱۹۹۶؛ به نقل از رائیا^۹، ۲۰۱۰). نشانه‌های دیگر شامل عدم اعتماد به نفس (کم‌رویی) هنگام ورود به موقعیت‌های اجتماعی، ناراحتی در حضور دیگران، مبالغه در فکر در مورد خود و خودپنداره اجتماعی پایین است (کاپلان و همکاران^{۱۰}، ۲۰۰۴). زیمباردو^{۱۱} (۱۹۷۷) دانش‌آموزان کم‌رو را دارای این ویژگی‌ها می‌داند: آهسته صحبت کردن، بی‌میلی به داوطلب شدن، مردد در شروع تعاملات با معلم، بیشتر وقت را در صندلی گذراندن، تمایل به اطاعت کردن و آزار نرساندن به دیگران و تمایل کم به پیغام رساندن و قبول تکالیف (بروفی، ۱۹۹۵؛ به نقل از رائیا، ۲۰۱۰).

پرخاشگری و گوشه‌گیری واکنش‌های رفتاری و هیجانی خارج از کنترل و تحت کنترل شدید را در موقعیت‌های اجتماعی نشان می‌دهند و همیشه در اختلالات رفتاری کودکان به‌عنوان مشکلات رفتاری برون‌زا و درون‌زا از آنها یاد می‌شود (سالوی و اسوتر^{۱۲}، ۱۹۹۷). تحقیقات نشان می‌دهند که پرخاشگری و گوشه‌گیری زود هنگام در ارتباط با اختلالات روانی (بورگس و همکاران^{۱۳}، ۲۰۰۳) و مشکلات سلامت جسمی (توکر و فریدمن^{۱۴}، ۱۹۹۶) آتی است.

بررسی تصویر خود و محتوای عاطفی کودکان از طریق نقاشی و بیان داستان مرتبط با آن غیرتهدیدآمیز و دارای اهمیت فراوان در درک مشکلات کودکان

از اولویت‌های آموزش در جهان امروز است (سیلور، ۲۰۰۵).

گوشه‌گیری یکی از اختلال‌های روانی کودکان و نوجوانان است که با اختلال‌های رفتاری و اضطرابی همراهی می‌کند و ممکن است با پیامدهای جدی مانند غیبت از مدرسه، اُفت تحصیلی، افسردگی و حتی خطر خودکشی همراه باشد (پاتاکی و کارلسون^۱، ۱۹۹۵). برونسما^۲ و ون^۳ (۲۰۰۶) گزارش کرده‌اند که بین ۱ تا ۳ درصد دانش‌آموزان گوشه‌گیر هستند (نریمانی و همکاران ۱۳۸۸).

تعدادی از محققان، گوشه‌گیری را به‌عنوان شاخص رفتاری کودک تنها، محروم شده و طرد شده توسط گروه همسالان می‌دانند (گزل و لاد^۴، ۲۰۰۳). برخی معتقدند که گوشه‌گیری اجتماعی در کودکی، وابسته به سن است و به‌صورت فقدان انگیزه اجتماعی منعکس می‌شود و ارتباطات بین فردی را تغییر می‌دهد (کاپلان و همکاران^۵، ۲۰۰۴). سرانجام، کسانی معتقدند که گوشه‌گیری در ارتباط با ناسازگاری روانی است که به صورت ارائه رفتار در ارتباط با افکار درونی شده و احساس اضطراب اجتماعی یا افسردگی بیان می‌شود (واسا و پین^۶، ۲۰۰۶؛ به نقل از رابین و همکاران^۷، ۲۰۰۹).

بعضی از خصیصه‌های رایج در کودکان گوشه‌گیر، شامل بازداری (جلوگیری از بروز احساسات)، فقدان اطمینان، اضطراب اجتماعی، واکنش‌پذیری پایین، و

⁸ Brophy

⁹ Raia

¹⁰ Coplan etal

¹¹ Zimbardo

¹² Salovey & Sluyter

¹³ Burgess etal

¹⁴ Tukur & Fridman

¹ Pataki & Carlson

² Bruinsma

³ Venn

⁴ Gazelle & Ladd

⁵ Coplan etal

⁶ Vasa & Pine

⁷ Rubin etal

روش تحلیل محتوای داستان‌های کودکان برای بررسی روایی روش به کار رفته هدف دیگر این پژوهش است.

روش

پژوهش حاضر از نوع علی - مقایسه‌ای است. جامعه آماری شامل کلیه دانش‌آموزان مدارس ابتدایی شهرستان شیراز بود. آزمودنی‌های پژوهش شامل دانش‌آموزان پایه چهارم و پنجم مدارس ابتدایی بود که در دو گروه پرخاشگر و گوشه‌گیر طبقه‌بندی شدند. اسناد مورد بررسی تحلیل محتوا شامل کلیه داستان‌های بیان شده توسط ۱۳۷ نفر کودک پرخاشگر و گوشه‌گیر بود. روش نمونه‌گیری در پژوهش حاضر به صورت دو مرحله‌ای است. در مرحله اول به صورت خوشه‌ای تصادفی کلاس‌ها و مدارس انتخاب شدند و در مرحله دوم به شیوه هدفمند نمونه پژوهش انتخاب شد، به این صورت که از نواحی مختلف شهرستان شیراز با توجه به ویژگی نواحی، ۵ مدرسه انتخاب شد و در هر مدرسه تمام کلاس‌های چهارم و پنجم انتخاب و از معلمان خواسته شد تا حداکثر ده نفر از دانش‌آموزانی را که شناخت کافی از آن‌ها دارند، بدون در نظر گرفتن وضعیت تحصیلی (موفق یا غیرموفق)، انتخاب کرده و پرسشنامه مشکلات رفتاری کوای و پاترسون^۲ (شهیم و همکاران، ۱۳۸۶)، فرم معلم مقیاس درجه‌بندی کانرز^۳ (شهیم و همکاران، ۱۳۸۶)، و مقیاس پرخاشگری آشکار (شهیم، ۱۳۸۵) را برای آنها تکمیل نمایند. این شیوه نمونه‌گیری که در

پرخاشگر و گوشه‌گیر است که از طرق دیگر قادر به بیان آن نیستند. تحقیقات نشان داده‌اند که دانش‌آموزان پرخاشگر به‌طور معناداری نمرات محتوای عاطفی پایین‌تر و تصویر خود بالاتری داشتند (اروو و همکاران، ۲۰۰۴ و شهیم و رزمجویی، ۱۳۸۸). تفاوت دختران و پسران در این زمینه معنادار بوده است اما بین گروه‌های سنی، تفاوت معناداری در این زمینه به‌دست نیامده است (اروو و همکاران، ۲۰۰۴). کوپتین و همکاران^۱ (۲۰۰۵) به بررسی تصویر خود و محتوای عاطفی در کودکان و نوجوانان روسی پرداخته و دریافته‌اند که محتوای عاطفی منفی قوی در میان پسران فراوانی بیشتری داشت و محتوای عاطفی مثبت قوی با فراوانی بیشتری در بین دختران دیده شد (به نقل از سیلور، ۲۰۰۹). کوپتین (۲۰۰۲) نیز در مطالعه‌ای محتوای عاطفی و تصویر خود مثبت را نزد دختران فراوان‌تر گزارش کرد (به نقل از سیلور، ۲۰۰۹).

هدف اصلی پژوهش حاضر بررسی تصویر خود و محتوای عاطفی در داستان‌های مربوط به نقاشی ترسیم شده توسط کودکان پرخاشگر آشکار و گوشه‌گیر و تحلیل محتوای جملات و متن داستان‌های نوشته شده کودکان پرخاشگر و گوشه‌گیر بر اساس مؤلفه‌های پرخاشگری و گوشه‌گیری است که مبتنی بر استفاده عینی از روش‌های فرافکن است و از نوع تحقیقات بدیع در ایران و حائز اهمیت فراوان است. نظر به اینکه اعتبار آزمون‌های فرافکن در کل، مبتنی بر توافق نظر ارزیابان است، ایجاد روش نمره‌گذاری عینی برای این منظور استفاده از

^۲ Quay & Peterson

^۳ Connors

^۱ Kopytin et al

ب است (تصویر ۱)، که امکان بررسی تصویر خود و محتوای عاطفی تخیلات آزمودنی را از طریق ترسیم و سپس نقل داستانی در ارتباط با ترسیم، فراهم می‌آورد.

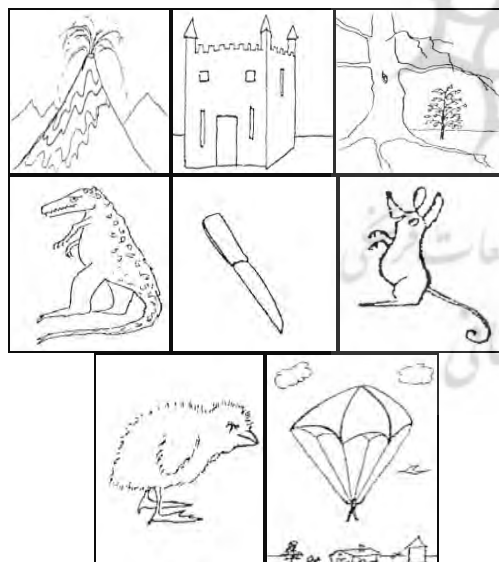
تصویر ۱. تصاویر محرک در آزمون ترسیم

یک داستان (DAS)

(الف)



(ب)



آزمون DAS بر این فرض مبتنی است که آزمودنی از طریق ترسیم، تصویری از خود را ارائه می‌دهد که منطبق بر شخصیت اصلی در ترسیم فرد است و به طور عمد یا غیرعمد معرف ترسیم کننده

پژوهش‌های متعدد به کار برده شده، به آموزگار فرصت می‌دهد تا با دقت پاسخ دهد (میلر^۱، ۱۹۷۲؛ کانرز و همکاران^۲، ۱۹۹۸؛ به نقل از شهیم و همکاران، ۱۳۸۶). در این مرحله از پژوهش دانش‌آموزان دختر و پسر مورد ارزیابی قرار گرفتند.

جدول ۱. توزیع آزمودنی‌های تحقیق بر اساس جنسیت و

مشکلات رفتاری

گروه‌ها	کل	دختر	پسر
تعداد	درصد	تعداد	درصد
گوشه‌گیر	۷۱	۳۷	۳۴
پرخاشگر	۶۶	۱۶	۵۰
کل	۱۳۷	۵۳	۸۴

پس با توجه به ارزیابی معلمان و بر اساس نقطه برش یک انحراف معیار بالاتر از میانگین در نمرات پرسشنامه مشکلات رفتاری کوی و پاترسون و مقیاس درجه‌بندی کانرز دانش‌آموزان گوشه‌گیر و با همان نقطه برش در نمرات مقیاس پرخاشگری آشکار، دانش‌آموزان پرخاشگر انتخاب شدند. در نهایت ۱۳۷ کودک مشتمل بر ۶۶ پرخاشگر و ۷۱ گوشه‌گیر انتخاب شدند و به وسیله آزمون ترسیم داستان سیلور (۲۰۰۵) مورد ارزیابی قرار گرفتند.

جدول ۱، توزیع فراوانی آزمودنی‌های تحقیق را بر اساس جنسیت و نوع مشکل (گوشه‌گیری و پرخاشگری) نشان می‌دهد.

ابزار

در این پژوهش از آزمون ترسیم یک داستان^۳، DAS سیلور (۲۰۰۵) استفاده گردید. آزمون DAS مشتمل بر تعدادی تصویر محرک در دو گروه الف و

^۱ Miller

^۲ Sitarenios et al

^۳ Draw A Story Test

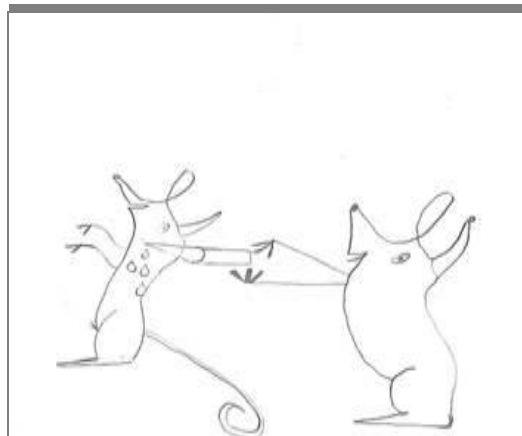
نقل کند، داستان‌ها توسط آزماینده ثبت می‌شود. داستان‌ها از دو جنبه تصویر خود و محتوای عاطفی در یک طیف ۵ نمره‌ای با دامنه مثبت تا منفی بر اساس مقیاس تهیه شده توسط سیلور (۲۰۰۵) نمره‌گذاری می‌شوند. به تصویر منفی شدید از خود (مثال: ترسیم موضوعی که غمگین یا در خطر مرگ است و واکنش نشان می‌دهد) نمره ۱ و به تصویر مثبت شدید از خود (مثال: ترسیم موضوعی که به صورت قدرتمند و مؤثر واکنش نشان می‌دهد) نمره ۵، تعلق می‌گیرد. همچنین نمرات تصویر خود ۲ و ۴ به ترتیب به واکنش‌های بدبخت و خوشبخت و نمره تصویر خود ۳ به تصویر دو جانبه و نامحسوس از خود داده می‌شود (سیلور، ۲۰۰۵). محتوای عاطفی داستان‌های نقل شده بر اساس یک طیف ۵ نمره‌ای با دامنه منفی شدید تا مثبت شدید بر اساس مقیاس تهیه شده توسط سیلور (۲۰۰۵) نمره‌گذاری می‌شود. نمره یک به محتوای عاطفی منفی شدید (ترسیم اشخاص گوشه‌گیر و غمگین) و نمره ۵ به محتوای عاطفی مثبت شدید (ترسیم اشخاص قوی یا ارتباطات مهم) تعلق می‌گیرد. نمره ۲ و ۴ به ترتیب برای محتوای عاطفی مثبت و منفی متوسط داده می‌شود و نمره ۳ نیز به محتوای غیر عاطفی و دو جانبه تعلق می‌گیرد (سیلور، ۲۰۰۵).

تصاویر ۲ و ۳ به ترتیب نمونه‌هایی از نقاشی و داستان ترسیم شده توسط کودکان پرخاشگر و گوشه‌گیر را نشان می‌دهد.

تصاویر است. کودکان در نقاشی معمولاً خودشان را با شخصیت اصلی داستان فرافکن می‌کنند (سیلور، ۲۰۰۵). در آزمون ترسیم یک داستان، بعد از ترسیم نقاشی، از فرد خواسته می‌شود داستانی را در ارتباط با نقاشی که معرف محتوای عاطفی است، بیان کند. این ارزیابی، بیشتر از ویژگی‌های هنری (مانند رنگ، کیفیت خطوط و غیره) به محتوای نقاشی توجه می‌کند. روایی تفکیکی DAS در گروه‌های مختلف کودکان ناشنوا، دارای اختلالات یادگیری، افسرده، گوشه‌گیر، پرخاشگر و بزهدار تأیید شده است (سیلور، ۲۰۰۹). در ایران روایی و پایایی DAS در گروهی از کودکان عادی و پرخاشگر تأیید گردیده است. پایایی آزمون از طریق همبستگی بین نمره‌گذاران برای تصویر خود و محتوای عاطفی به ترتیب ۰/۶۷ و ۰/۹۰ بوده است. محتوای عاطفی در داستان‌های ترسیم شده در کودکان پرخاشگر ضعیف‌تر از کودکان غیر پرخاشگر بوده است. تصویر خود در داستان‌های ترسیم شده کودکان پرخاشگر و غیرپرخاشگر تفاوت معنی‌دار نداشته است و گروه غیر پرخاشگر به‌طور معنی‌دار پاسخ‌های مثبت بیشتری در زمینه محتوای عاطفی و تصویر خود بروز دادند (شهیم و رزمجویی، ۱۳۸۸).

اجرای این آزمون انفرادی است و بدین صورت است که ابتدا از آزمودنی خواسته می‌شود که از بین تصاویر محرک، ۲ یا ۳ تصویر را انتخاب کرده، با آن‌ها داستانی را نقاشی کند و عنوانی برای نقاشی خود انتخاب کند، سپس داستانی را متناسب با نقاشی

تصویر ۲. نقاشی و داستان کودکی پرخاشگر
(دعوی دو موش)



یک موش با موش دیگر بدی می‌کند و دارند با هم دعوا می‌کنند و این موش با خنجر خود در کمر او فرو کرد. آن موش خیلی آه و ناله می‌کند و موش دیگر می‌خندد و می‌گوید که این هم پاسخ آن همه بدی‌هایی که جلو خانه ما آمدی و به من کردی.

تصویر ۳. نقاشی و داستان کودکی گوشه‌گیر
(پسری که تنها بود)



یک روز پسری تنها بود و هیچ کس با او زندگی نمی‌کرد خانه‌اش نزدیک دریا بود. یک روز تصمیم گرفت که به کنار دریا برود. به کنار دریا رفت. در کنار دریا ماری را دید و ترسید و دیگر هیچ وقت به کنار دریا نرفت.

برای تحلیل محتوای داستان‌ها از روش مراجعه به اسناد و تکنیک تحلیل محتوای کمی (رویکرد مفهومی) استفاده شد (مارشال و راسمن^۱، ۱۹۹۱) که در این روش، محقق به تعیین فراوانی محتوای موجود و یا عدم وجود در متن بسنده می‌کند و درصد حاصل از شمارش واحدهای تحلیل را تعیین می‌کند و با این روش به تعیین فراوانی و کمیت مفاهیم موجود در متن می‌پردازد. مزیدی (۱۳۸۵) از این نوع تحلیل محتوا تحت عنوان تحلیل محتوای جهت‌دار یاد کرده است.

هدف این تحقیق تشخیص میزان پرخاشگری و گوشه‌گیری در داستان‌های بیان شده توسط کودکان در ارتباط با تصاویر ترسیم شده آزمون DAS بود و اینکه کلمات و جملات بیان شده تا چه حد حاوی پرخاشگری یا گوشه‌گیری بوده است. به منظور بررسی میزان برخورداری داستان‌ها از مؤلفه‌های گوشه‌گیری و پرخاشگری از روش تحلیل محتوای کمی استفاده شد تا مجموعه‌ای از مؤلفه‌های پرخاشگری و گوشه‌گیری برای تحلیل داستان‌های کودکان پرخاشگر و گوشه‌گیر فراهم گردد. از تکنیک تحلیل محتوا برای تشخیص واحدهای تحلیل دارای مؤلفه‌های پرخاشگری و گوشه‌گیری و تخصیص آن‌ها به مقولات معرفی شده و نیز محاسبه ضرایب درگیری هر کدام از داستان‌ها نسبت به مؤلفه‌های پرخاشگری و گوشه‌گیری استفاده به عمل آمد. در پژوهش حاضر واحد تحلیل، پاراگراف‌های هر داستان بود.

¹ Marshall & Rossman

پرخاشگری بر غیر پرخاشگری و گوشه‌گیری بر غیر گوشه‌گیری به معنی درگیری ۵۰ درصد واحدهای تحلیل و ضرائب بالاتر از ۱/۵ به معنی درگیری ۲۵ درصد واحدهای تحلیل است (اسدپور و حسین چاری، ۱۳۸۹).

برای سنجش روایی صوری روش فوق ۱۰ داستان از بین داستان‌های بیان شده توسط کودکان در ارتباط با نقاشی ترسیم شده آزمون DAS که دارای مؤلفه پرخاشگری و گوشه‌گیری بودند، به‌عنوان نمونه انتخاب و در اختیار چند تن از اساتید علوم تربیتی و روان‌شناسی قرار گرفت و از آن‌ها خواسته شد تا نظر تشخیصی خود را در مقابل هر واحد تحلیل اعلام دارند. نظرات پیشنهادی صاحب‌نظران و محققان مورد مقایسه قرار گرفت و روایی صوری پژوهش محرز گردید.

برای سنجش پایایی روش فوق از همبستگی بین نظر صاحب‌نظران از طریق انتخاب مقوله‌های معرف پرخاشگری و گوشه‌گیری مربوط به تحلیل داستان‌ها با توجه به دارا بودن ویژگی‌های مربوطه به پرخاشگری و گوشه‌گیری حاصل شد و ضرائب همبستگی بین نظر صاحب‌نظران در دامنه ۰/۶۷ تا ۱ برای مؤلفه‌های پرخاشگری و ۰/۳۳ تا ۱ برای مؤلفه‌های گوشه‌گیری بود.

یافته‌ها

به‌منظور بررسی تفاوت نمرات تصویر خود در دو گروه گوشه‌گیر و پرخاشگر از تحلیل واریانس دوطرفه استفاده شد. متغیر مستقل شامل مشکلات

در این راستا با استفاده از سه عامل اساسی پرخاشگری از دیدگاه کریک و گرات پیتر^۱ (۱۹۹۵) و کریک و داج^۲ (۱۹۹۶) که مشتمل بر پرخاشگری جسمانی (کتک زدن، کشتن، گاز گرفتن و آزار جسمی)، پرخاشگری بیش فعال (شروع دعوا و تهدید به دعوا، شروع کتک کاری، شروع ناسزا و فریاد، شروع پرتاب اشیاء، شروع صدمه و قتل و آسیب به دیگران و شروع خسارت به اموال) و پرخاشگری واکنشی (پاسخ به طریق دعوا و تهدید به دعوا، پاسخ به طریق کتک کاری، پاسخ به طریق ناسزا و فریاد، پاسخ به طریق پرتاب اشیاء، پاسخ به طریق صدمه و قتل و آسیب به دیگران و پاسخ به طریق خسارت به اموال) متن داستان‌های بیان شده توسط کودکان به‌صورت "پرخاشگر" مشخص شد. همچنین با استفاده از سه عامل اساسی گوشه‌گیری از دیدگاه کاپلان و رابین^۳ (۱۹۹۸) که مشتمل بر گوشه‌گیری منزوی - منفعل (مشتمل بر: فعالیت و شناسایی کند اشیاء، به تنهایی بازی کردن و خجالتی، ناسازگار)، گوشه‌گیری منزوی - فعال (مشتمل بر: خلق منفی، طرد همسالان، تکرار اعمال حسی - حرکتی) و کم‌گویی (مشتمل بر: تماشاگر بدون تعامل، شک و تردید در رفتار، طرد همسالان، ترس و اضطراب و اجتناب از موقعیت‌های جدید) متن داستان‌ها به صورت "گوشه‌گیر" مشخص و نسبت به تجزیه و تحلیل و تفسیر یافته‌ها اقدام شد. ضریب درگیری داستان‌ها با مؤلفه‌های گوشه‌گیری و پرخاشگری از طریق تقسیم مجموع واحدهای معرف

^۱ Crick & Grot peter

^۲ Crick & Dogde

^۳ Coplan & Rubin

داشتند ($F(1, 133) = 4/127, p < 0/04$). اما بین نمرات دختران و پسران در تصویر خود تفاوت معناداری وجود نداشت. تعامل جنسیت و نوع گروه معنادار بود ($p < 0/02$), $F(1, 133) = 5/524$. بدان معنا که اثر گروه (پر خاشگر/ گوشه گیر) بر تصویر خود فارغ از تأثیر جنسیت نبود. این یافته در نمودار ۱ منعکس شده است.

رفتاری (پر خاشگر و گوشه گیر) و جنسیت و متغیر وابسته تصویر خود است.

جدول ۲ میانگین و انحراف معیار نمرات تصویر خود گروه پر خاشگر و گوشه گیر را بر حسب جنسیت دانش آموزان نشان می دهد. نتایج تحلیل واریانس دو طرفه (جدول ۳) نشان داد که دانش آموزان پر خاشگر در مقایسه با دانش آموزان گوشه گیر در نمرات تصویر خود تفاوت معناداری

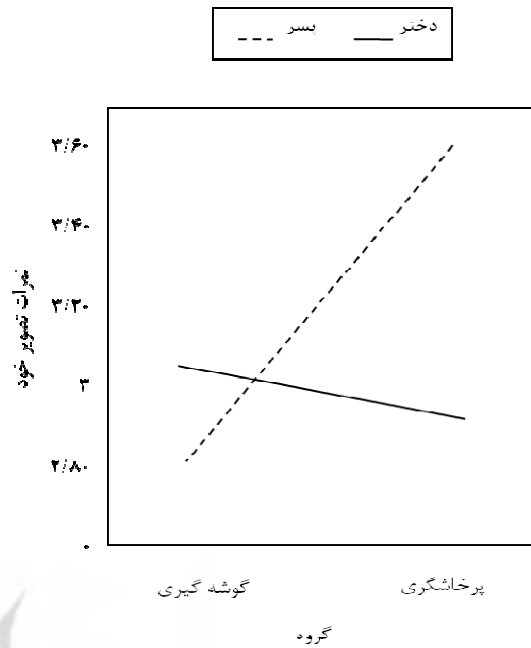
جدول ۲. میانگین نمرات تصویر خود با توجه به جنسیت و نوع گروه

نوع گروه	جنسیت	میانگین	انحراف استاندارد	تعداد
گوشه گیر	دختر	۳/۱۶	۱/۱۴	۳۷
	پسر	۲/۷۵	۰/۷۵	۳۴
	کل	۳/۰۴	۱/۰۵	۷۱
پر خاشگر	دختر	۳/۰۹	۱/۱۸	۱۶
	پسر	۳/۶۹	۱/۳۴	۵۰
	کل	۳/۵۴	۱/۳۲	۶۶
کل	دختر	۳/۱۴	۱/۱۴	۵۳
	پسر	۳/۳۱	۱/۲۳	۸۴
	کل	۳/۲۴	۱/۲	۱۳۷

جدول ۳. تحلیل واریانس دو طرفه برای جنسیت و گروه در تصویر خود

منبع واریانس	درجه آزادی	مجموع مربعات	میانگین مربعات	F	سطح معنی داری
اثر اصلی					
جنسیت	۱	۰/۲۴۴	۰/۲۴۴	۰/۱۸۴	N.S
گروه	۱	۵/۴۶۸	۵/۴۶۸	۴/۱۲۷	۰/۰۴
جنسیت × گروه	۱	۷/۳۱۹	۷/۳۱۹	۵/۵۲۴	۰/۰۲
درون گروهها (خطا)	۱۳۳	۱۷۶/۲۰۶	۱/۳۲۵		
کل	۱۳۷	۱۶۳۷/۲۵			

نمودار ۱. تعامل جنسیت و نوع گروه در تصویر خود



مقایسه با گروه گوشه‌گیر دارای تفاوت معناداری نبود. جدول ۵ نشان می‌دهد که دختران و پسران در بیان محتوای عاطفی به‌طور معناداری با یکدیگر متفاوت است و این تفاوت به نفع دختران است. بدین معنا که دختران نمرات بیان محتوای عاطفی بالاتری (جدول ۵) داشتند ($p = 0.001$, $F = 15.919$) (۱ و ۱۳۳) و بیانگر این است که نمرات محتوای عاطفی در دختران مثبت‌تر است. جدول ۴ نیز میانگین و انحراف معیار محتوای عاطفی دو گروه پرخاشگر و گوشه‌گیر را بر حسب جنسیت دانش‌آموزان نشان می‌دهد. تعامل جنسیت و گروه معنادار بود ($p = 0.04$, $F = 4.362$) (۱ و ۱۳۳). بدین معنا که اثر گروه بر محتوای عاطفی فارغ از تأثیر جنسیت نیست (نتایج جدول ۵ و نمودار ۲).

برای بررسی تفاوت نمرات محتوای عاطفی در دو گروه پرخاشگر و گوشه‌گیر از تحلیل واریانس دوطرفه استفاده شد که نشان داد گروه پرخاشگر در

جدول ۴. میانگین نمرات محتوای عاطفی با توجه به جنسیت و نوع گروه

نوع گروه	جنسیت	میانگین	انحراف استاندارد	تعداد
گوشه‌گیر	دختر	۲/۹۳	۱/۰۴	۳۷
	پسر	۲/۵۷	۰/۶۹	۳۴
	کل	۲/۷۶	۰/۹۰	۷۱
پرخاشگر	دختر	۳/۱۸	۱/۲۶	۱۶
	پسر	۲/۰۴	۱/۰۷	۵۰
	کل	۲/۳۱	۱/۲۲	۶۶
کل	دختر	۳	۱/۱۱	۵۳
	پسر	۲/۲۵	۰/۹۷	۸۴
	کل	۲/۵۴	۱/۰۸	۱۳۷

جدول ۵. تحلیل واریانس دو طرفه برای جنسیت و گروه در محتوای عاطفی

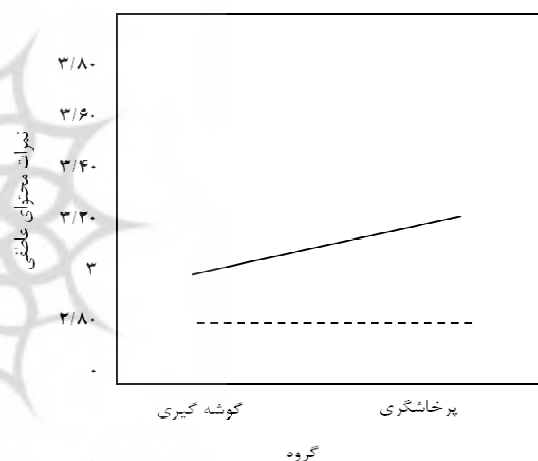
منبع واریانس	درجه آزادی	مجموع مربعات	میانگین مربعات	F	سطح معنی داری
اثر اصلی					
جنسیت	۱	۱۶/۳۳۳			
گروه	۱	۰/۵۵۸	۱۶/۳۳۳	۱۵/۹۱۹	۰/۰۰۱
جنسیت × گروه	۱	۴/۴۷۶	۰/۵۵۸	۰/۵۴۴	N.S
درون گروه‌ها (خطا)	۱۳۳	۱۳۶/۵۰۵	۴/۴۷۶	۴/۳۶۲	۰/۰۴
کل	۱۳۶	۱۰۵۰/۵۰۰	۱/۰۲۶		

نمودار ۲. تعامل جنسیت و نوع گروه در محتوای عاطفی

همکاران، ۲۰۰۹) به ویژه در دوره دبستان که ارتباط با همسالان دارای اهمیت است. کودکان گوشه‌گیر بیشتر از غفلت و طرد همسالان آسیب می‌پذیرند (نلسون و همکاران، ۲۰۰۵) که منجر به رشد خودپنداره منفی و احساس افسردگی و تنهایی می‌شود (رابین و همکاران، ۲۰۰۲؛ به نقل از اوزدمیر، ۲۰۰۹). پسران پرخاشگر دارای تصویر خود مثبت از دختران پرخاشگر هستند. این تفاوت جنسیتی تنها توانایی جسمی پسران را نشان نمی‌دهد بلکه دال بر آن است که پسران رفتارهای پرخاشگرانه آشکار بیشتری را به کار می‌گیرند و مورد حمایت‌های اجتماع و خانواده هستند. اجتماع و خانواده‌ها پرخاشگری در دختران را منع می‌کنند و مانع آن می‌شوند در حالی که راه را برای انجام این‌گونه رفتارها در پسران هموار می‌کنند (فتوت‌زاده و معراج مالیک، ۲۰۰۴). پسران گوشه‌گیر در مقایسه با دختران گوشه‌گیر خود را تنها، با مهارت‌های اجتماعی ضعیف، و عزت نفس پایین‌تر از همسالان عادی توصیف می‌کنند (نلسون و همکاران، ۲۰۰۵). پسران بیش از دختران از نتایج شدید این رفتار رنج می‌برند (کاپلان و همکاران،

در تبیین احتمالی نتایج فوق می‌توان گفت که دانش‌آموزان پرخاشگر، دارای ادراکات مثبت قوی از خود هستند، آن‌ها تخیلاتی درباره آدمکشی و موقعیت‌هایی که تهدیدکننده زندگی است، دارند و خود را به عنوان افرادی قوی و بسیار مؤثر ارائه می‌کنند که اعمالی مثل کشتن و رفتار قهرمانانه را انجام می‌دهند. در مقابل کودکان گوشه‌گیر؛ احساس و فکر کم و ناچیز از خود یعنی خودپنداره ضعیف دارند. طرد همسالان می‌تواند پیش‌بینی‌کننده احساسات و افکار منفی درباره خود باشد (رابین و

دختر ——— بزرگ



¹ Nelson et al

² Ozdemir

³ Fotowwat Zadeh & Mairaj Malik

دنیایی تخیلی و خصمانه هستند در حالی که دختران و زنان خود را جزئی از دنیا می‌بینند، افزون بر این، پسران بیشتر به ارتباطات خصمانه و غیردوستانه توجه نشان می‌دهند و دختران بیشتر ارتباطات مثبت را بیان می‌کنند (سیلور، ۱۹۹۶). تحقیقات نشان داده‌اند که کودکان پرخاشگر، گوشه‌گیر و افسرده، ویژگی‌های عاطفی منفی دارند بدین معنا که دارای ادراک منفی قوی از دنیا هستند (سیلور، ۲۰۰۵).

نتایج پژوهش حاضر نشان داد که میزان برخورداری داستان‌ها از مؤلفه‌های گوشه‌گیری و پرخاشگری در حد قابل قبول است. تحلیل محتوای داستان‌ها نشان داد مؤلفه‌ای که بیشتر در داستان‌های کودکان پرخاشگر وجود دارد، مؤلفه کشتن است و بعد از آن مؤلفه شروع صدمه و قتل و آسیب به دیگران دارای بیشترین فراوانی است. به عبارت دیگر در تصورات کودکان پرخاشگر، کشتن و قتل و آسیب به دیگران دارای بیشترین فراوانی است. شاید بتوان این‌گونه تصورات بیان شده در داستان‌های کودکان را ناشی از قرار گرفتن در معرض برنامه‌های پرخاشگرانه رسانه‌ای مانند تلویزیون و بازی‌های کامپیوتری و ویدئویی دانست. چرا که امروزه این برنامه‌ها نزد کودکان دارای محبوبیت فراوانی است، امروزه عناصر اصلی برنامه‌های تلویزیونی تولید شده برای کودکان، خشونت و پرخاشگری است (ویولنس^۱، ۱۹۹۸؛ به نقل از لان و همکاران^۲، ۲۰۱۰). مطالعات طولی و آزمایشی بر تأثیرات خشونت رسانه‌ای بر کودکان نشان داده‌اند که تماشای این

۲۰۰۴؛ رابین و کاپلان، ۲۰۰۴؛ به نقل از رابین و همکاران، ۲۰۰۹). لذا پسران گوشه‌گیر به دلیل تصویر خود ضعیف، آسیب‌پذیرتر از سایر گروه‌ها هستند. عوامل فرهنگی نیز در این زمینه دخالت دارد زیرا پسران گوشه‌گیر معمولاً مورد قبول جامعه مرد سالار نیستند.

محتوای عاطفی

کودکان پرخاشگر و گوشه‌گیر در متغیر محتوای عاطفی تفاوت معنی‌دار نداشتند در حالی که بر اساس پژوهش شهیم و رزمجویی (۱۳۸۸) کودکان پرخاشگر محتوای عاطفی ضعیف‌تری نسبت به کودکان عادی داشته‌اند اما تفاوت دختران و پسران معنی‌دار بود و این تفاوت به نفع دختران بود که همسو با یافته‌های پژوهش اروود و همکاران (۲۰۰۴)، کوپتین و همکاران (۲۰۰۵)، و سیلور (۱۹۹۳) است. تعامل جنسیت و گروه نیز معنادار بود. دختران پرخاشگر دارای میانگین نمرات بالاتری از پسران پرخاشگر در محتوای عاطفی بودند و دختران گوشه‌گیر نمرات بالاتری از پسران گوشه‌گیر کسب کردند. وجود تفاوت معنادار بین دختران و پسران در محتوای عاطفی را می‌توان این‌گونه تبیین نمود که پسران صرف‌نظر از مشکل پرخاشگری و گوشه‌گیری نمرات محتوای عاطفی پایین و ضعیف‌تری نسبت به دختران دارند. اروود و همکاران (۲۰۰۴) بیان می‌کند که محتوای عاطفی ضعیف در ارتباط با پرخاشگری، افسردگی و احساس تنهایی به‌ویژه در پسران رایج است. دختران ادراک مثبت قوی از دنیا دارند در حالی که ادراک پسران از دنیای بیرونی، منفی‌تر است (سیلور، ۱۹۹۶). در واقع پسران در حال جنگ در

¹ Violence

² Lan et al

تصاویر است، در کنار سایر ابزارهای تشخیصی برای ارزیابی مشکلات رفتاری از نوع پرخاشگری و گوشه‌گیری به کار برد.

تحقیق حاضر به بررسی تصویر خود و محتوای عاطفی در دانش‌آموزان پرخاشگر و گوشه‌گیر دبستانی پرداخته است. استفاده از آزمون ترسیم داستان DAS برای ارزیابی مشکلات رفتاری در کودکانی که مشکل کلامی دارند مانند ناشنویان و کودکان اتیستیک توصیه می‌شود. این تحقیق محدود به دانش‌آموزان مدارس عادی بود. انجام تحقیقات مشابه در نمونه‌های بالینی که دارای مشکلات پرخاشگری و گوشه‌گیری هستند، نیز پیشنهاد می‌شود. به‌علاوه روش به‌کار گرفته شده در این پژوهش می‌تواند راهگشای محققان و روان‌شناسان در تحلیل کاربردی نتایج حاصل از سایر آزمون‌های فرافکن قرار گیرد.

سپاسگزاری

از همه دانش‌آموزان و مدیران دبستان‌های ناحیه ۱، ۳، و ۴ شهر شیراز که در انجام این پژوهش ما را یاری نمودند، قدردانی می‌شود.

منابع

اسدپور، ک و حسین‌چاری، م. (۱۳۸۹). بررسی مؤلفه‌های معنای زندگی از منظر اسلام در کتاب‌های درسی دین و زندگی دوره متوسطه. *مجله مطالعات آموزش و یادگیری*. دوره دوم، شماره ۱، صص ۱-۳۲.

برنامه‌ها منجر به پرخاشگری کودکان در زندگی واقعی می‌شود (گین^۱، ۲۰۰۱؛ به نقل از لان و همکاران، ۲۰۱۰). در داستان‌های کودکان گوشه‌گیر نیز مؤلفه ترس و اضطراب دارای فراوانی بیشتر و پس از آن مؤلفه به تنهایی بازی کردن قرار می‌گیرد. ارتباط میان گوشه‌گیری اجتماعی و ترس و اضطراب کاملاً طبیعی و منطقی است (رابین و همکاران، ۲۰۰۹). در افراد گوشه‌گیر اجتماعی افکار و احساسات منفی اضطراب، احساس تنهایی و ناامنی و افسردگی به فراوانی گزارش شده است (رابین و اسندروف^۲، ۱۹۹۳؛ به نقل از رابین و همکاران، ۲۰۰۹) که همسو با نتایج تحقیق حاضر است. همین‌طور این کودکان از غفلت و طرد همسالان آسیب می‌پذیرند (نلسون و همکاران، ۲۰۰۵) که منجر به رشد خودپنداره منفی، احساس افسردگی و تنهایی می‌شود (رابین و همکاران، ۲۰۰۲؛ به نقل از رابین و همکاران، ۲۰۰۹). این یافته‌ها می‌تواند برای متخصصان تعلیم و تربیت هشداردهنده باشد و ضرورت مداخله‌های روان - آموزشی را مطرح می‌سازد. برخورداری داستان‌ها از مؤلفه‌های گوشه‌گیری و پرخاشگری در حد قابل قبول نشانگر روایی آزمون در برآورد پرخاشگری و گوشه‌گیری در کودکان است.

نتایج این پژوهش نشانگر روایی تفکیکی آزمون DAS بود. تحلیل محتوای داستان‌های بیان شده توسط کودکان، نشان داد که می‌توان آزمون DAS را به‌عنوان ابزاری معتبر که محرک مؤلفه‌های گوشه‌گیری و پرخاشگری در داستان‌های مرتبط با

¹ Geen

² Rubin & Asendorpf

- Connor, D. E. (2002). *Aggression and Antisocial Behavior in Children and Adolescents. Research and Treatment*. London: The Guilford Press.
- Coplan, R. J., Findlay, L. C., & Nelson, L. J. (2004). Characteristics of preschoolers with lower perceived competence. *Journal of Abnormal Child Psychology*, 32, 399-408.
- Coplan, R. J., & Rubin, K. H. (1998). Exploring and assessing nonsocial play in the preschool: The development and validation of the Preschool Play Behavior Scale. *Social Development*, 7, 72-91.
- Coplan, R. J., Prakash, K., O'Neil, K., & Armer, M. (2004). Do you "want" to play? Distinguishing between conflicted shyness and social disinterest in early childhood. *Developmental Psychology*, 40, 244-258.
- Crick, N. R., Dodge, K. A. (1996). Social information-processing mechanism in reactive and proactive aggression. *Child Development*, 67, 993-1002.
- Crick, N. R., Grotpeter, J. K. (1995). "Relational aggression, gender, and social - psychological adjustment." *Child Development*, 66, 710-722.
- Daglioglu, H. E., Deniz, V, Kan, A. (2010). A study on the emotional indicators in 5-6 year-old girls and boys human figure drawings. *Procedia Social and Behavioral Sciences*, 2, 1503-1510.
- Earwood, C., Fedorko, M., Holzman, E., Montanori, L., & Silver, R. (2004). Screening for aggression using the Draw A Story assessment. *Art Therapy Journal of the American Art Therapy Association*, 21, 156-162.
- Fotowwat Zadeh, Z., & Mairaj Malik, S. (2009). Expression of aggressive tendencies in the drawings of children and youth who survived the northern pakistan earthquake. *Europe's Journal of Psychology*, 2, 64-81.
- Gazelle, H., & Ladd, G. W. (2003). Anxious solitude and peer exclusion: A diathesis-stress model of internalizing trajectories in childhood. *Child Development*, 74, 257 - 278.
- Kopytin, A., Svistovskaya, H., and Svetskaya, V., (2005). Cultural differences and similarities. In R. Silver, (Ed.), شهیم، س. (۱۳۸۵). پرخاشگری آشکار و رابطه‌ای در کودکان دبستانی. پژوهش‌های روان‌شناختی. دوره ۹، شماره ۲.
- شهیم، س و رزمجویی، م. (۱۳۸۸). تصویر خود و محتوای عاطفی در ترسیم کودکان پرخاشگر و غیرپرخاشگر. مجموعه مقالات دومین کنگره هنر درمانی. تهران.
- شهیم، س، یوسفی، ف، و شهائیان، آ. (۱۳۸۶). هنجاریابی و ویژگی‌های روان‌سنجی مقیاس درجه‌بندی کانرز - فرم معلم. مجله علوم تربیتی و روان‌شناسی. دوره ۳، شماره ۲.
- شهیم، س، یوسفی، ف، و قنبری، م. (۱۳۸۶). ویژگی‌های روان‌سنجی چک لیست تجدید نظر شده مشکلات رفتاری کواي و پترسون. مجله روان‌پزشکی و روان‌شناسی بالینی ایران، شماره ۴، صص ۳۵۰-۳۵۸.
- مزیدی، م. (۱۳۸۵). مقدمه بر روش‌های کیفی و تحلیل کیفی داده‌ها [جزوه]. شیراز: دانشکده علوم تربیتی.
- نریمانی، م، ملکشاهی، م و محمودی، ن. (۱۳۸۸). بررسی مهارت‌های مقابله‌ای و تحمل ابهام در دانش‌آموزان دختر گوشه‌گیر. پژوهش در حیطه کودکان استثنائی، سال نهم، شماره ۱، صص ۵۵-۶۲.
- Burgess, K. B., Marshall, P. J., Rubin, K. H., & Fox, N. A. (2003). Infant attachment and temperament as predictors of subsequent externalizing problems and cardiac physiology. *Journal of Child Psychology and Psychiatry*, 44, 819-831.
- Cherney, I. D., Seiwert, C. S., Dickey, T. M. ve Flichtbeil, J. D. (2006). Children's drawings: a mirror to their minds. *Educational Psychology*, 26, 127-142.

- Therapy, Journal of the Therapy Association*, 4, 67-77.
- Silver, R. (1996). Sex Differences in the Solitary and Assaultive Fantasies of Delinquent and Nondelinquent Adolescents. *Journal of Adolescence*, 31, 543-552.
- Silver, R. (2005). *Aggression and Depression Assessed Through Art. Using Draw-A-Story to Identify Children and Adolescents At Risk*. New York: Brunner Routledge.
- Silver, R. (2009). Identifying children and adolescents with depression: review of the stimulus drawing task and Draw A Story research. *Art Therapy: Journal of the American Art Therapy Association*, 26, 174-180.
- Silver, R. (1977). the Question of imagination, originality, and abstract thinking by deaf children. *American Annals of the Deaf*, 122, 349-354.
- Silver, R. (1993). Age and Gender Differences Expressed through Drawing: A Study of Attitudes Toward Self and Others. *Artherapy, Journal of the Therapy Association*, 10, 159-168.
- Aggression and depression assessed through art*, 141-158.
- Lan, K. L., Chang Abdullah, M., Roslan, S. (2010). Understanding Media Violence and the Development of Aggressive Behaviour of School Children. *Procedia Social and Behavioral Sciences*, 7, 522-527.
- Marshall, C., Rossman, G. B. (1991) "*Designing Qualitative Research*". Sage Publications, Inc. USA.
- Nelson, L. J., Rubin, K. H., & Fox, N. A. (2005). Social withdrawal, observed peer acceptance, and the development of self-perceptions in children ages 4 to 7 years. *Early Childhood Research Quarterly*, 20, 185-200.
- Ozdemir, S. B. (2009). *Turkish Mothers' Attributions, Emotions, Strategies, and Goals in Response to Aggressive and Socially Withdrawn Behaviors*. Doctoral Dissertation, University of Maryland. AAT: 1477246.
- Pataki, C. S. & Carlson, G. A. (1995). Childhood and Adolescent Depression. A review. *Harvard Review of Psychology Psychiatry*, 3, 140-151.
- Raia, K. (2010). *An Examination of Social Cognitions in Young Children with Differing Behavioral Characteristics*. Doctoral Dissertation. University of Florida. AAT: 3385983.
- Rubin, K. H., & Coplan, R. J. Bowker, J. C. (2009). Socially Withdrawn in Children. *Annual Review of Psychology*, 60, 141-171.
- Salovey, P. & Sluyter, D. (1997). *Emotional development and emotional intelligence: Educational implications*. New York: Basic Books.
- Schachter, L. S. (1999). *Developing and testing a computer-assisted scoring method for the Children's Apperception Test*. Doctoral Dissertation. University of Pittsburgh. AAT 9919333.
- Silver, R. (1989). *Developing Cognitive and Creative Skills through Art*. New York: Albin Press.
- Silver, R. (1987). Sex Differences in the Emotional Content of Drawings. *Art*



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

Validity of the Draw A Story Test in Two Groups of Aggressive and Withdrawn Children

***F. Chamandar**

Master of Children with Special Needs, Shiraz University, Iran

S. Shahim

Assistant Professor of Education and School of Psychology, Shiraz University, Iran

M. Mazidi

Associate Professor of History and Philosophy of Education, Shiraz University, Iran

D. Seif

Assistant Professor of Educational Psychology, Shiraz University, Iran

Abstract:

Assessment of validity of the Draw A Story test was the aim of this study. The sample consisted of 137 elementary students (53 girls and 84 boys) recruited from fourth and fifth grades, and were categorized into two groups of aggressive and withdrawn based on assessments. They were given the Draw A Story test (DAS). According to the results, the differences between the two groups were significant for self image ($p < .04$) and non significant for the emotional content of DAS. The aggressive group showed stronger self image in comparison to the other group. Aggressive boys showed a stronger self image while the withdrawn children showed a weaker self image ($p < .04$). Aggressive and withdrawn girls had higher mean scores in the emotional content than boys, whereas the aggressive boys showed a weaker emotional content ($p < .02$). The range of positive to negative response frequencies were significantly different for both groups and both groups had the highest response frequency in emotional content in the range of moderately negative. The range of self image response frequencies in the aggressive group was significantly different and positive response had the highest frequency. The range of self image response frequencies in the withdrawn children was significantly different, and the unpleasant and negative responses had the highest frequency. Content analysis of the aggressive stories showed a high engagement ratio of aggression components with the highest frequency of murdering and killing imageries, while in the withdrawn children content analysis indicated the high engagement ratio with the highest frequency of components such as loneliness, fear and anxiety. These results indicate that Draw a Story Test is a valid instrument for discriminating aggressive and withdrawn children from normal subjects.

Key word: aggressivechildren, withdrawn children, Draw a Story Test, validity.